

دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده‌ی علوم انسانی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی فلسفه / گرایش منطق

روی‌کرد مولینیسم به مسئله‌ی سازگاری علم پیشین‌الهی و اختیار انسان

نگارنده:

محمدصالح زارع‌پور

استاد راهنما:

دکتر محمد سعیدی‌مهر

اردیبهشت ۱۳۹۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مجلس شورای اسلامی ایران

باسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان خانم / آقای محمد صالح زارع در
درامتیاران
تحت عنوان: بررسی کاربرد پلیسج به روشی رایزگاری علم بسین الهی
را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تائید می کنند.

| امضاء | رتبه علمی | نام و نام خانوادگی | اعضای هیات داوران |
|-------|-----------|--------------------|---------------------------------|
| | رتبه | محمد سعید | ۱- استاد راهنما |
| | دانشیار | امیر محمد علی گنجی | ۲- استاد مشاور |
| | " | لطف الله نبی | ۳- استاد ناظر (داخلی) |
| | دانشیار | عبدالله کهن | ۴- استاد ناظر (خارجی) |
| | " | لطف الله نبی | ۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی |

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تصوه: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (ثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب..... تاریخ..... دانشجوی رشته..... متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....
تاریخ: ۱۳۸۸.۳.۲۳

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته

در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر

، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب *محمد صالح زارع* رشته *مقطع کارشناسی ارشد* دانشجوی رشته *مقطع مقطع کارشناسی ارشد*

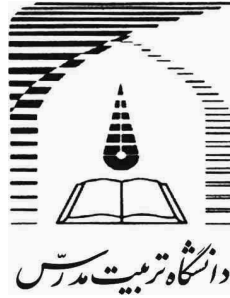
تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: *محمد صالح زارع*

تاریخ و امضا:

۱۳۹۰، ۷، ۳

محمد صالح زارع



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده‌ی علوم انسانی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی فلسفه / گرایش منطق

روی‌کرد مولینیسم به مسئله‌ی سازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان

نگارنده:

محمدصالح زارع‌پور

استاد راهنما:

دکتر محمد سعیدی‌مهر

استاد مشاور:

دکتر سید محمدعلی حجتی

اردیبهشت ۱۳۹۰

این پایان نامه را

با شوق و البته شرمساری بی پایان

تقدیم می کنم به:

خداوند

تشکر و قدردانی

شمار کسانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش مهمی در نگارش این پایان نامه داشته‌اند و به همین دلیل تشکر از ایشان بر من واجب است، کم نیست. همین بیم‌ناکم می‌کند که مبادا کسی را از یاد ببرم. پیشاپیش از همه‌ی کسانی که ممکن است از یاد نامشان در این جا غفلت کنم پوزش می‌خواهم.

از زحمات و راهنمایی‌های استاد راهنمای پایان‌نامه‌ام، جناب آقای دکتر سعیدی‌مهر صمیمانه متشکرم. ایشان با صبوری بسیار و علی‌رغم مشغله‌های فراوانی که داشتند مکرراً مرا به حضور پذیرفتند و در گفت‌وگوهای مختلف پیرامون محتوای مطالب پایان‌نامه، نکات بسیار مفیدی را متذکر شدند. از حسن توجه استاد مشاور پایان‌نامه‌ام، جناب آقای دکتر حجتی هم بسیار متشکرم. در طول دوران تحصیلم در دانشگاه تربیت مدرس همواره مشمول لطف‌های ایشان بوده‌ام. به علاوه بر من واجب است که از زحمات سایر اساتیدم به ویژه آقای دکتر لطف الله نبوی و نیز آقای دکتر عبدالرسول کشفی تشکر کنم. من الفبای کار پژوهشی و آداب مناسبات علمی را از استاد سلیم النفس و فرزانه‌ام جناب آقای دکتر محمد اردشیر آموختم. صمیمانه از لطف‌های مکرر ایشان ممنونم. جناب آقای دکتر شهشهانی مشوق من در پی‌گیری علایق فلسفی‌ام بودند و اکنون که از ورود به دنیای فلسفه احساس رضایت می‌کنم، خود را وام‌دار رفتار خردمندانه‌ی ایشان با علایق فلسفی‌ام می‌بینم.

از لطف دوستان خوبم آقایان کاوه قاسملو، هابیل زارع و پویا رونق که مرا در تهیه‌ی برخی منابع مرتبط با پایان‌نامه‌ام یاری دادند، بسیار متشکرم. اگر اندک مهارتی در تشخیص نقاط ضعف یک استدلال داشته باشم، بی‌هیچ شکی بخشی از آن را وام‌دار مباحثات مستمر با هم‌درسانم هستم؛ چه هم‌درسان دوره‌ی کارشناسی و چه هم‌درسان دوره‌ی کارشناسی ارشد. از فرد فرد ایشان ممنونم. به علاوه دوست می‌دارم این فرصت را بهانه کنم و از دوست فقیدم مهدی باقرپور یاد کنم. چراغ چالش‌های فکری پیرامون جبرگرایی الهیاتی را او در ذهن من روشن کرد و اکنون بسیار اندوهناکم که امکانی ندارم که این پایان‌نامه را به ذهن وقاد و نگاه نقاد او تسلیم کنم.

بیش از پانزده سال است که افتخار علم و عمل‌آموزی از محضر جناب آقای دکتر علی جهانخواه را داشته‌ام. نشان‌های آن‌چه از ایشان آموختم را در اکثر تصمیمات مهم زندگی‌ام، من جمله تصمیم به تحصیل فلسفه، می‌بینم. همین نشان‌ها سبب می‌شوند که دین خود به ایشان را فراموش نکنم و از صمیم قلب سپاس‌گزار ایشان باشم. از آقای دکتر رحیم خستو که در دوران دبیرستان من را به مطالعات غیردرسی، به‌خصوص در حوزه‌ی علوم انسانی، ترغیب کردند و آداب گفت‌وگوی محترمانه و در عین حال منصفانه را به من آموختند متشکرم.

آخرین اما نه کم‌ترین تشکراتم را متواضعانه تسلیم اعضای خانواده‌ام می‌کنم. پدر و مادرم ارزش و قدر دانایی را به خوبی می‌دانستند و به همین دلیل کم‌ترین دانایی‌های من و خواهرانم را بلندنظرانه ستوده‌اند و اغراق نیست اگر بگویم که این ستایش‌های بلندنظرانه انگیزه‌ی بسیاری از تلاش‌های ما در تحصیل علم بوده است. از ایشان بسیار متشکرم و از خداوند بزرگ برای ایشان سلامت و سعادت طلب می‌کنم. خواهرانم با لطف‌ها و محبت‌های بسیارشان امیدبخش من در برخی روزهای سخت چند سال اخیر زندگی‌ام بوده‌اند؛ از ایشان سپاسگزارم. در روزهای تقریباً زیاد نگارش این پایان‌نامه از انجام برخی وظایف نسبت به هم‌سرم بازماندم اما او با صبر و لطف بسیار کوتاهی من را نادیده گرفت و از هیچ کوششی برای فراهم کردن شرایط مطلوب من دریغ نکرد؛ قدردان تلاش‌های او هستم و از او صمیمانه ممنونم. امیدوارم خداوند فرصتی فراهم کند تا بتوانم قدری از لطف‌های کسانی که در این جا نام بردم را جبران کنم.

چکیده

راه‌حلی که فیلسوف یسوعی اسپانیای در قرن شانزدهم میلادی برای مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان (جبرگرایی الهیاتی) ارائه کرده بود، در فلسفه‌ی دین معاصر احیا شده و به‌طور وسیعی مورد توجه فیلسوفان دین قرار گرفته است. این راه‌حل احیا شده که به مولینیسم شهرت یافته است از نظریه‌ای موسوم به نظریه‌ی علم میانی خداوند استفاده می‌کند تا با ارائه‌ی مدل ممکن‌ی نشان دهد که مختار بودن انسان‌ها و علم پیشین داشتن خداوند به اعمال مختارانه‌ی آن‌ها تعارضی با یکدیگر ندارند؛ و می‌توان شرایطی را متصور شد که در آن شرایط هم انسان‌ها مختار باشند و هم خداوند از پیش به آن‌چه آن‌ها در موقعیت‌های مختلف انجام خواهند داد، علم داشته باشد.

در این پایان‌نامه ابتدا پاسخ‌های مختلفی که تا کنون به جبرگرایی الهیاتی داده شده است را بررسی می‌کنیم. سپس با تبیین پیش‌فرض‌های اساسی مولینیسم راه‌حل این نظریه برای مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و ربط و نسبت آن با سایر پاسخ‌های داده شده به این مسئله را می‌سنجیم. در این بخش به وجوه شباهت و اختلاف پاسخ مولینیسم با سایر پاسخ‌ها اشاره می‌کنیم و در نهایت با بررسی انتقادات وارد بر مولینیسم میزان ضعف و قوت پاسخ مولینیسم به مسئله‌ی مذکور را ارزیابی می‌کنیم.

نتیجه‌گیری نهایی این پایان‌نامه این است که یا اساساً گزاره‌های مربوط به اعمال اختیاری انسان در آینده (ممکنات استقبالی مربوط به اعمال اختیاری انسان) ارزش صدق ندارند و یا اگر دارند مولینیسم می‌تواند با ارائه‌ی مدلی نشان دهد که علم پیشین خداوند به این گزاره‌ها با مختار بودن انسان در تعارض نیست. به بیان دیگر پاسخ نهایی ما به مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان منفصله‌ی "یا خداگرایی گشوده یا مولینیسم" است.

واژگان کلیدی: لوئیس دو مولینا، مولینیسم، نظریه‌ی علم میانی، جبرگرایی الهیاتی، علم پیشین الهی، اختیار، شرطی‌های اختیار.

فهرست مطالب

| | |
|---|-----|
| فصل اول..... | ۱ |
| کلیات پژوهش..... | ۱ |
| ۱-۱- مقدمه..... | ۲ |
| ۲-۱- طرح مسئله..... | ۶ |
| ۳-۱- فرضیه‌ها..... | ۶ |
| ۴-۱- ضرورت طرح موضوع..... | ۷ |
| ۵-۱- روش انجام تحقیق..... | ۸ |
| ۶-۱- پیشینه‌ی تحقیقات و جنبه‌ی نوآوری..... | ۸ |
| فصل دوم..... | ۱۰ |
| جبرگرایی الهیاتی و پاسخ‌های مختلف به آن..... | ۱۰ |
| ۱-۲- طرح مسئله..... | ۱۱ |
| ۲-۲- پیش‌فرض‌های جبرگرایی الهیاتی..... | ۱۳ |
| ۳-۲- برهان پایه‌ی ناسازگاری..... | ۲۱ |
| ۴-۲- پاسخ فیلسوفان مسلمان..... | ۲۲ |
| ۵-۲- پاسخ توماسی..... | ۲۴ |
| ۶-۲- پاسخ ارسطویی..... | ۲۸ |
| ۷-۲- پاسخ آکامی..... | ۳۱ |
| ۸-۲- پاسخ‌های مبتنی بر نفی تقدم علت بر معلول..... | ۴۳ |
| ۹-۲- پاسخ‌های مبتنی بر نفی اصل انتقال ضرورت..... | ۴۴ |
| ۱۰-۲- پاسخ‌های فرانکفورتی..... | ۴۹ |
| ۱۱-۲- پاسخ خداگرایی گشوده..... | ۵۶ |
| ۱۲-۲- جبرگرایی الهیاتی: حالت خاص یک مسئله‌ی کلی..... | ۶۰ |
| فصل سوم..... | ۶۲ |
| مولینیسیم و جبرگرایی الهیاتی..... | ۶۲ |
| ۱-۳- مولینیسیم..... | ۶۳ |
| ۲-۳- علم خداوند..... | ۶۵ |
| ۳-۳- نکاتی پیرامون علم خداوند از نظر مولینیسیم..... | ۷۷ |
| ۴-۳- پاسخ مولینیسیم به صورت منطقی مسئله‌ی شر..... | ۸۲ |
| ۵-۳- پاسخ مولینیسیم به مسئله‌ی ناسازگاری مشیت خداوند با اختیار انسان..... | ۹۵ |
| ۶-۳- پاسخ مولینیسیم به مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان..... | ۱۰۳ |

| | |
|--|-----|
| فصل چهارم..... | ۱۱۴ |
| انتقادات وارد بر مولینیسیم..... | ۱۱۴ |
| ۱-۴- انتقادات وارد بر مولینیسیم..... | ۱۱۵ |
| ۲-۴- انتقاد اول: بی‌معنایی صحبت از معدومات..... | ۱۱۵ |
| ۳-۴- انتقاد دوم: ناسازگاری ضرورت گذشته با متابعت علم خداوند از عمل انسان‌ها..... | ۱۲۰ |
| ۴-۴- انتقاد سوم: عدم برقراری اصل طرد شق ثالث درباره‌ی شرطی‌های اختیار..... | ۱۲۷ |
| ۵-۴- انتقاد چهارم: بسته نبودن معرفت..... | ۱۳۸ |
| ۶-۴- انتقاد پنجم: دوری بودن مولینیسیم..... | ۱۳۹ |
| ۷-۴- انتقاد ششم: مولینیسیم مؤید جبرگرایی..... | ۱۴۲ |
| ۸-۴- انتقاد هفتم: مبنای صدق شرطی‌های اختیار..... | ۱۵۰ |
| ۹-۴- نتیجه‌گیری..... | ۱۵۷ |
| واژه‌نامه (فارسی-انگلیسی)..... | |
| واژه‌نامه (انگلیسی-فارسی)..... | |
| منابع و مراجع..... | |

فصل اول
کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

در طول تاریخ الهیات فلسفی منتقدان خداگرایی با دو روی کرد کلی در مسئله‌ی وجود خداوند مناقشه کرده‌اند.^۱ روی کرد اول ایشان نوعی روی کرد سلبی برای نشان دادن عدم صحت یا اعتبار برهان‌هایی است که خداگرایان در دفاع از وجود خداوند اقامه کرده‌اند. روی کرد دوم ایشان هم نوعی روی کرد ایجابی برای اقامه‌ی برهان‌هایی علیه وجود خداوند است. در حقیقت منتقدان خداگرایی تلاش می‌کنند تا هم ضعف برهان‌هایی که خداگرایان له وجود خداوند اقامه کرده‌اند را نشان دهند و هم مستقلاً برهان‌هایی علیه وجود خداوند طرح کنند. به نظر می‌رسد که می‌توان همه‌ی برهان‌هایی که علیه وجود خداوند در طول تاریخ ارائه شده‌اند را در سه دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی کرد.

دسته‌ی اول این برهان‌ها، برهان‌هایی هستند که سعی در نشان دادن تناقض درونی یکی از صفات خداوند دارند. منتقدان خداگرایی تلاش می‌کنند تا با تکیه بر این نوع از برهان‌ها نشان دهند که برخی از صفاتی که خداگرایان به خداوند نسبت می‌دهند، صفاتی خودمتناقض هستند و بنابراین موجودی که واجد چنین صفاتی باشد، یعنی خدایی که خداگرایان مدعی وجود او هستند، وجود ندارد. برهانی که با تکیه بر پارادکس سنگ ارائه می‌شود، نمونه‌ای از این برهان‌ها است. مطلوب این برهان نشان دادن تناقض درونی صفت "قادر مطلق" است؛ صفتی که غالب خداگرایان به خدا نسبت می‌دهند. بر اساس این برهان:

یا قادر مطلق می‌تواند سنگی که خودش نمی‌تواند آن را بلند کند، خلق کند یا قادر مطلق نمی‌تواند سنگی که خودش نمی‌تواند آن را بلند کند، خلق کند. اگر قادر مطلق بتواند سنگی که خودش نمی‌تواند آن را بلند کند، خلق کند، قادر مطلق نیست. اگر هم قادر مطلق نتواند سنگی که خودش نمی‌تواند آن را بلند کند، خلق کند، قادر مطلق نیست. پس قادر مطلق، قادر مطلق نیست.

^۱ از آن جایی که همه‌ی مطالب این فصل در فصل‌های بعدی با جزئیات بیشتر نقل خواهد شد و این فصل صرفاً به بیان کلیات مطروح در فصول بعدی می‌پردازد، در این فصل از ذکر معادل‌های انگلیسی واژگان و ارجاع‌دهی به منابع مختلف صرف نظر کرده‌ایم.

در حقیقت منتقدان خداگرایی تلاش دارند تا با طرح این برهان نشان دهند که صفت قادر مطلق صفتی خودمتناقض است و بنابراین موجودی که واجد چنین صفتی باشد، یعنی خدایی که خداگرایان مدعی وجود او هستند، وجود ندارد.

دسته‌ی دوم برهان‌هایی که علیه وجود خداوند طرح می‌شوند، برهان‌هایی هستند که سعی در نشان دادن تناقض برخی از صفات خداوند با برخی دیگر از صفات او دارند. منتقدان خداگرایی تلاش می‌کنند تا با تکیه بر این نوع از برهان‌ها نشان دهند که برخی از صفاتی که خداگرایان به خداوند نسبت می‌دهند، با یکدیگر متناقض هستند. در حقیقت مدعای اصلی این برهان‌ها این است که حتی اگر هیچ یک از صفاتی که خداگرایان به خداوند نسبت می‌دهند، خودمتناقض نباشند، باز هم برخی از این صفات با برخی دیگر از آن‌ها در تناقض هستند. به همین دلیل هم موجودی که واجد چنین صفاتی باشد، یعنی خدایی که خداگرایان مدعی وجود او هستند، وجود ندارد. یکی از مشهورترین برهان‌های این دسته از برهان‌های منتقدان خداگرایی، برهانی است که به‌منظور نشان دادن متناقض بودن دو صفت "قادر مطلق" و "خیر مطلق" با یکدیگر ارائه می‌شود. بر اساس این برهان:

قادر مطلق می‌تواند هر کاری بکند. پس قادر مطلق می‌تواند ظلم بکند. کسی که می‌تواند ظلم بکند، خیر مطلق نیست. پس قادر مطلق، خیر مطلق نیست.

در حقیقت منتقدان خداگرایی تلاش دارند تا با طرح این برهان نشان دهند که دو صفت قادر مطلق و خیر مطلق با یکدیگر متناقض هستند و بنابراین موجودی که واجد چنین صفتی باشد، یعنی خدایی که خداگرایان مدعی وجود او هستند، وجود ندارد.

دسته‌ی سوم برهان‌هایی که علیه وجود خداوند طرح می‌شوند، برهان‌هایی هستند که سعی در نشان دادن تناقض بین برخی از صفات خداوند با برخی واقعیات جهان خارج دارند. به بیان دقیق‌تر منتقدان خداگرایی تلاش می‌کنند تا با تکیه بر این نوع از برهان‌ها نشان دهند که وجود موجودی که دارای برخی از صفاتی که خداگرایان به خداوند نسبت می‌دهند، باشد با برخی واقعیات جهان خارج در تعارض است. در حقیقت مدعای اصلی این برهان‌ها این است که حتی اگر هیچ یک از صفاتی که

خداگرایان به خداوند نسبت می‌دهند، خودمتناقض نباشند و حتی اگر همه‌ی این صفات با هم سازگار باشند، باز هم وجود موجودی که دارای برخی از این صفات باشد با برخی واقعیات مسلم جهان خارج در تناقض است. به همین دلیل هم موجودی که واجد چنین صفاتی باشد، یعنی خدایی که خداگرایان مدعی وجود او هستند، وجود ندارد. یکی از مشهورترین برهان‌های این دسته از برهان‌های منتقدان خداگرایی، برهان شر است. بر اساس این برهان:

اگر در جهان خارج شر وجود داشته باشد، عالم مطلق می‌داند که در این جهان شر وجود دارد. خیر مطلق باید بخواهد که در جهان خارج شر وجود نداشته باشد. قادر مطلق باید بتواند شر موجود در عالم خارج را دفع کند. پس وجود شر در جهان خارج و دفع نشدن آن با وجود موجودی که هم عالم مطلق، هم خیر مطلق و هم قادر مطلق باشد، در تعارض است.

در حقیقت منتقدان خداگرایی تلاش دارند تا از یک سو با طرح این برهان نشان دهند که وجود موجودی که سه صفت عالم مطلق، خیر مطلق و قادر مطلق را دارد با وجود شر در جهان خارج متعارض است. از سوی دیگر تلاش می‌کنند تا این که «در عالم خارج شر وجود دارد» را واقعیتی مسلم جلوه دهند و سپس نتیجه بگیرند خدایی که واجد هر سه صفت مذکور باشد، یعنی خدایی که خداگرایان مدعی وجود او هستند، وجود ندارد.

بدهتاً کسی که نپذیرد در عالم خارج شر وجود دارد، برهان شر را برهانی علیه وجود خداوند نمی‌داند. به‌طور کلی هر یک از برهان‌های دسته‌ی سوم که سعی در نشان دادن وجود نوعی تعارض میان برخی صفات خداوند و برخی واقعیات عالم خارج دارند، تنها در صورتی برهانی علیه وجود خداوند هستند که وجود آن واقعیات در عالم خارج پذیرفته شود. بدهتاً کسی که نپذیرد آن واقعیات در عالم خارج وجود دارند، این برهان‌ها را برهانی علیه وجود خداوند نمی‌داند. جالب‌تر این‌که در برخی موارد، برخی خداگرایان هم به این برهان‌ها متوسل شده‌اند و تلاش کرده‌اند که با تکیه بر این برهان‌ها و با تأکید بر وجود خداوندی که واجد صفات مذکور باشد، از ناسازگاری آن صفات با وجود واقعیتی در جهان خارج، وجود آن واقعیت در جهان خارج را نفی کنند.

برای نمونه برخی برهان آورده‌اند که وجود خدای عالم مطلقى که از پیش به همه‌ی اعمال انسان‌ها علم دارد با مختار بودن انسان‌ها در تعارض است. حال از یک طرف برخی منتقدان خداگرایی این برهان را به شکل یکی از برهان‌های دسته‌ی سوم علیه خداگرایی تلقی کرده‌اند و با مسلم گرفتن مختار بودن آدمی، عدم وجود خدای عالم مطلق را نتیجه گرفته‌اند؛ و از طرف دیگر برخی خداگرایان با تکیه بر این برهان و تأکید بر عالم مطلق بودن خداوند و علم پیشین داشتن او به اعمال انسان‌ها، اختیار انسان‌ها را نفی کرده‌اند و مجبور بودن انسان‌ها را نتیجه گرفته‌اند.

کسی که وجود خدای عالم مطلقى که از پیش به همه‌ی اعمال انسان‌ها علم دارد را با مختار بودن انسان‌ها در تعارض ببیند، به نوعی جبرگرایی الهیاتی باور دارد. اگر او مختار بودن انسان را بپذیرد ناچار است که وجود خدای عالم مطلقى که از پیش به همه‌ی اعمال انسان‌ها علم دارد را نفی کند و اگر وجود چنین خدایی را بپذیرد ناچار است که مختار بودن انسان‌ها را نفی کند. پس هم خداگرایان می‌توانند به این نوع از جبرگرایی الهیاتی باور داشته باشند و هم منتقدان خداگرایی؛ به همین نسبت هم خداگرایان می‌توانند به این نوع از جبرگرایی الهیاتی انتقاد کنند و هم منتقدان خداگرایی.

در این پایان‌نامه به یکی از تلاش‌های مهمی که در جهت رد این نوع از جبرگرایی الهیاتی شده است، می‌پردازیم. هدف این پایان‌نامه تبیین، تحلیل و ارزیابی نظریه‌ای موسوم به مولینیسم است. این نظریه در آراء و آثار لوئیس دو مولینا، فیلسوف یسوعی قرن شانزدهم اسپانیا، ریشه دارد و در دهه‌های پایانی قرن بیستم در ادبیات فلسفه‌ی دین معاصر احیا شده است. تلقی رایج این است که مولینیسم قابلیت حل دست‌کم سه مسئله‌ی الهیاتی را دارد. این سه مسئله عبارتند از: (الف) ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان (همان نوع جبرگرایی الهیاتی مذکور در بالا)، (ب) ناسازگاری مشیت الهی و اختیار انسان و (پ) ناسازگاری وجود خداوند با وجود شر در عالم.

هدف اصلی این پایان‌نامه پرداختن به پاسخ مولینیسم به مسئله‌ی اول، یعنی مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان، است. لکن از آن‌جایی که ابزاری که مولینیسم برای حل این مسئله به کار می‌گیرد، همان ابزاری است که برای حل دو مسئله‌ی دیگر نیز به کار می‌گیرد و به‌علاوه روش حل این

مسائل بسیار شبیه به هم هستند، به راه حل مولینیسم برای آن دو مسئله‌ی دیگر هم اشاره خواهیم داشت. سعی داریم تا اولاً مدعیات اصلی و پیش‌فرض‌های مهم مولینیسم را به‌خوبی تبیین کنیم، ثانیاً راه حل مولینیسم برای حل مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان را توضیح دهیم و تحلیل کنیم، ثالثاً ربط و نسبت این راه حل را با سایر راه‌حل‌های ارائه شده روشن کنیم و رابعاً با شرح انتقادات وارد بر مولینیسم، میزان توفیق این نظریه در حل مسئله‌ی مذکور را بسنجیم.

۱-۲- طرح مسئله

با توجه به توضیحات بخش قبل مسائل اصلی این پایان نامه عبارتند از:

۱. هسته‌ی مرکزی مولینیسم و مهم‌ترین پیش‌فرض این نظریه چیست؟

۲. مهم‌ترین انتقاد وارد بر مولینیسم کدام است؟

۳. آیا راه کار مولینیسم برای حل مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان قابل قبول و

قانع‌کننده است؟

۱-۳- فرضیه‌ها

متناسب با سه مسئله‌ی بالا، این پایان‌نامه سه فرضیه دارد:

۱. هسته‌ی مرکزی مولینیسم نظریه‌ای موسوم به نظریه‌ی علم میانی است. بنا بر این نظریه

گزاره‌هایی به شکل شرطی‌های التزامی (و موسوم به شرطی‌های اختیار) وجود دارند که مبین

افعال مختارانه‌ی انسان‌ها در موقعیت‌های مختلفی هستند که بالقوه می‌توانند در آن‌ها قرار

بگیرند. پیش‌فرض اصلی مولینیسم این است که این گزاره‌ها صدق امکانی و پیش‌ارادی دارند

و متعلق علم خداوند هستند.

۲. مهم‌ترین انتقاد وارد بر مولینیسم این است که شرطی‌های اختیار نمی‌توانند صدق پیش‌ارادی و

در عین حال امکانی داشته باشند.

۳. به نظر می‌رسد که اگر بتوان به‌نحوی مسئله‌ی مبنای صدق ممکنات استقبالی را حل کرد، راه‌کار مولینیسیم برای حل مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان قابل قبول و قانع‌کننده است.

۱-۴- ضرورت طرح موضوع

رواج اندیشه‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان دست‌کم به دو دلیل ناخوشایند است. از یک سو با رواج و مقبولیت یافتن فلسفه‌های انسان‌گرایانه‌ی افراطی که به شدت بر مختار بودن آدمی تأکید می‌کنند و به‌شکلی افراطی اعمال آزادانه و مختارانه‌ی اراده را غایت زندگی انسانی می‌دانند، بیم آن می‌رود که پذیرش ناسازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان به نفی وجود خداوند عالم مطلق و هجمه‌ی بیش‌تر به خداگرایی منتهی شود. از سوی دیگر هم بیم آن می‌رود که پذیرش این ناسازگاری (حتی به‌صورت ناخودآگاه) در میان خداگرایان، آن‌ها را به موضع انفعال و نوعی تقدیرگرایی افراطی سوق دهد؛ چنان که پیش از این هم این آفات گریبان متألّهین را در برخی جوامع دینی و در برخی دوره‌های تاریخی گرفته است. هر دوی این‌ها هم پی‌آمدهای ناخوشایندی دارند که برای دفع آن‌ها چاره‌ای جز ارائه‌ی راه‌حلی برای مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان به‌نظر نمی‌رسد. به‌علاوه این راه‌حل (اگر اساساً چنین راه‌حلی وجود داشته باشد) تنها زمانی مقبول انسان خردگرای امروز می‌شود که بر محکّمات فلسفی مبتنی باشد و بتواند از محک انتقادات سربلند بیرون بیاید. متأسفانه در میان پاسخ‌هایی که در تاریخ طولانی مناقشات فلسفی به این مسئله داده شده است، پاسخی که بتواند از محک انتقادات سربلند بیرون بیاید و مقبول واقع شود (آن‌طور که مثلاً پاسخ پلانینگا به صورت منطقی مسئله‌ی شر مقبول واقع شده)، وجود نداشته است. با این همه تلاش‌های فیلسوفان برای یافتن چنین پاسخی هیچ‌گاه متوقف نشده است. در دهه‌های پایانی قرن گذشته مولینیسیم امید تازه‌ای در دل فیلسوفان ایجاد کرد: این‌که شاید بتوان با احیای برخی نظرات لوئیس دو مولینا و حک و اصلاح آن‌ها پاسخ محکمی برای این مسئله یافت. این امیدواری بسیاری از متفکران و

فیلسوفان دین برجسته‌ی غرب را متوجه مولینیسیم کرد و موجب انتشار هزاران صفحه حرف و بحث و استدلال در خصوص این نظریه و راه‌حل‌های آن برای مسائل مختلف الهیاتی شد. قریب به چهل سال از انتشار اولین مقالاتی که درباره‌ی مولینیسیم منتشر شده‌اند می‌گذرد اما هنوز هم اشتیاق متفکران برای بررسی راه‌حل مولینیسیم برای مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان فروکش نکرده است و بسیاری از ایشان هنوز هم امیدوارند که بتوانند با اعمال برخی تغییرات و اصلاحات در راه‌حل لوئیس دو مولینا برای این نوع جبرگرایی الهیاتی، راه‌حلی برای این مسئله ارائه کنند که مقبولیتی نسبی داشته باشد.

همین نکات ضرورت آشنایی علاقه‌مندان فارسی‌زبان به فلسفه و الهیات را با مولینیسیم (و پاسخ آن مسئله‌های مختلف الهیاتی) به‌خوبی آشکار می‌کند؛ با این حال (تا آن‌جا که ما می‌دانیم) متأسفانه تا کنون مطلبی به فارسی درباره‌ی این نظریه و مباحث پیرامون آن منتشر نشده است. همین امر ضرورت نگارش پایان‌نامه‌ای با موضوع پایان‌نامه‌ی حاضر را به‌خوبی روشن می‌کند. باشد که از این طریق اندکی از عقب‌ماندگی فارسی‌زبانان از قافله‌ی مباحثات پیرامون مولینیسیم جبران شود.

۱-۵- روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق در این پایان‌نامه، روش پیشینی-قیاسی است. این روش خود به دو روش اصل موضوعی و تحلیلی-منطقی تقسیم می‌شود که آن‌چه ما در این‌جا به‌کار گرفته‌ایم روش تحلیلی-منطقی است. در این روش سعی می‌کنیم تا پس از تبیین مدعیات اصلی مولینیسیم با تحلیل منطقی آن‌ها میزان سازگاری درونی مولینیسیم و نیز میزان سازگاری آن با برخی احکام دیگر که در میان فیلسوفان مقبولیتی نسبی دارند را بسنجیم و درباره‌ی توفیق این نظریه در حل مسئله‌ی ناسازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان اظهار نظر کنیم.

۱-۶- پیشینه‌ی تحقیقات و جنبه‌ی نوآوری

چنان‌که پیش از این گفتیم تا کنون (و تا آن‌جا که ما می‌دانیم) هیچ متنی به فارسی درباره‌ی مولینیسیم منتشر نشده است. البته در خصوص راه‌حل‌های دیگری که برای مسئله‌ی ناسازگاری علم